وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره ۱۳ پنجشنبه ۲۷ قوس ۱۳۸۲ ۲۴ شوال المکرم ۱۴۲٤ - 18 December 2003

سرمقاله

شیشهٔ ناموس عالم در بغل داریم ما

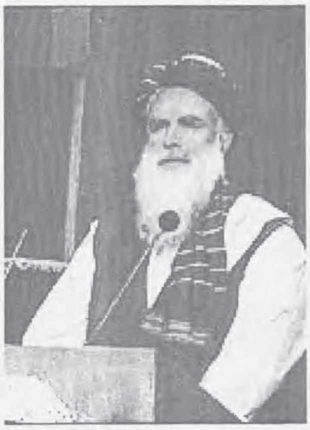
ص۲

دلوئی جرګی دکار بهیرته یوه کتنه

۳مخ

در چهارمین روز لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی





- با صحبت خانمی از فراه، تشنج برفضای مجلس حاکم گردید
- استاد سیاف لویه جرگه را از شکست نجات داد
- وکلا از ضیاع وقت شکایت نمودند
- ضعف مدیریت لویه جرگه، برجسته گردید

لویه جرگه در چهارمین روز کار خود، اندکی با معطلی مواجه گردید و دیرتر به کار خود آغاز نمود. پوهنوال دکتر عبیدالله عبید وکیل انتخابی شهر کابل، نخستین کسی بود که با اعتراض از جا بلند شد وگفت که ما نمایندهٔ مردم هستیم وبا مسؤولیت این جا آمده ایم تا خواست های ص۳

ص۲

عقلانیت سیاسی، دیکتاتوری را بر نمی تابد

پافشاری روی نظام پارلمانی گسترش یافته است

به نظر می رسد که به تعقیب ایجاد کمیته های ده گانه هنوز هم تعداد زیادی از وکلا در مورد انتخاب نوعیت نظام آینده، پیش از آغاز به کارهای دیگر پافشاری دارند.

با آن که عده یی از دولتمردان کوشش دارند که نظام آینده را به شکل ریاستی مطلق به تصویب برسانند ونقش پارلمان را بسیار ضعیف بسازند؛ اما نمایندگان مردم در تلاش اند تا شورای ملی یا پارلمان آینده را از قدرت بیشتر برخوردار بسازند.

آن گونه که همه می دانند، شورای ملی یا پارلمان متشکل است از نمایندگان انتخابی مردم که به هیچ قوم وسمت خاصی بستگی نمی داشته باشد وصرف به عنوان یک مرجع مشروع از مردم نمایندگی می کند.

در حالی که در مسودهٔ قانون اساسی یک نظام ریاستی مطلق برای آیندهٔ افغانستان پیش بینی شده و وجود صدر اعظم کاملاً زاید وغیر ضروری خوانده شده است، اما نمایندگان مردم اظهار می دارند که تمرکز قدرت در دست یک فرد می تواند موجب ظهور استبداد ودیکتاتوری گردد.

برخی از نمایندگان مردم به خبر نگار مجاهد اظهار داشتند که گریز از پارلمان یا شورای ملی مقتدر به معنای گریز از نظام آینده تلقی شده می تواند. در حالی که مردم حق دارند تا خود برسرنوشت خود حاکم باشند.

لویه جرگه

ابوبکر سبزوار

در آزمون وحدت ملی

- اصل مردم سالاری درنظام آینده باید در سرخط اهداف این جرگه قرار گیرد

در مورد این که لویه جرگه نه تنها تجلی وحدت ملی است بلکه باید موجب تحکیم مزید همبستگی ملی باشد، سخن فراوان رفته است و در مورد لویه جرگه، قانون اساسی بیش از هرزمانی دیگر به این ضرورت تأکید گردید که تأکیدی کاملا بجا و به مورد است. اما با توجه به آنچه که اکنون در لویه جرگه، قانون اساسی می گذرد، می توان گفت اگر روند کار به همین شکل جلو برود، نه تنها قدمی بسوی وحدت ملی برداشته نخواهد شد بلکه رسیدن به این هدف مقدس را با موانع جدی مواجه خواهد ساخت. این هوشداری جدی به همه آنانی است که قلبا آرزومند چنین وفاق اند.

در حالی که بیشترین تأکید بر نقش محوری اسلام در قانون اساسی است، از نخستین روز تدویر لویه جرگه، دستهای غرض شروع به دامن زدن به تعصبات قومی نمودند تا این هدف مقدس تحت الشعاع مسائل قومی قرار گیرد. اکنون کار بجایی رسیده است که دیگر منطقی که در سخن نهفته است اهمیتی ندارد، آنچه مهم است این است که این منطق به کدام زبان عنوان می شود و تکلم کننده مربوط به کدام قوم و تبار است.

در جریان مباحثات بخوبی مشخص است که به کسانی که نظری موافق با نظر دولت دارند فرصت بیشتر برای سخن گفتن داده می شود. آوردن یکی از رهبران جهاد بعنوان گردانندهٔ کار این شورا که با تایید و تقدیر از کسانی که طرفدار نظام ریاستی اند، خود نشان از آن دارد که تصامیمی که از قبل گرفته شده بوسیله، یکی از رهبران جهاد باید پیاده شود تا اگر مشکلی بوجود آید، تقصیر مشکلات باز هم به دوش مجاهدین انداخته شود. بنابراین همه مجاهدین که به این مجلس کبیر ملی آمده اند باید متوجه باشند که شکست این شورا شکست ملت است و باید با دقت بسیار با مسائلی که به آن مواجه می شوند، برخورد نمایند و اصل مردم سالاری در نظام آینده باید در سرخط اهداف شان قرار داشته باشد.

ص ۴

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

شیشهٔ ناموس عالم در بغل داریم ما

برهم زدن نظم جلسه دیروز لویه جرگهٔ تصویب قانو ن اساسی نشان گر این مطلب است که دست اندرکاران توطیهٔ حذف مجاهدین وکم رنگ نشان دادن حماسه آفرینی های آنان در آزادی کشور از شر تجاوز کمونیزم وتروریزم، مذبوحانه تلاش به خرچ می دهند، تا از هر فرصتی به نفع اهداف ضد ملی وضد دینی خود بهره جویند ولو به بهای پامال شدن آبروی خواهری شود که مزورانه شعار دفاع از حقوق او را زمزمه می کنند.

طوری که همه از طریق تلویزیون مشاهده کردند بعد از شروع مجلس واعلان اجندای آن، خانمی از ولایت فراه مجاهدین را به نام جنایت کاران ومجرمان جنگی آماج حمله قرار داد وخواهان محاکمهٔ آنان در سطح ملی وبین المللی گردید.

عکس العمل مجاهدین در این راستا همان بود که مجاهدین بپا خاستند ونظم جلسه برهم خود تا آنکه استاد سیاف یکی از رهبران جهادی برخاست وهمه را به آرامش فرا خواند وجلسه را به حالت عادی برگرداند ومجاهدین را از حساسیت وضع کنونی ورسالت آنان آگاه ساخت.

بلی در این شرایطی که همه باید برمحور قضایایی مطرح در لویه جرگه بپردازند وپیرامون موضوعات گره خورده به سرنوشت این ملت چون: «اقتدار از آن ملت باشد تا از آن فرد»، حرفی بزنند برموضوعات حساسیت برانگیزی انگشت می گذارند، حرف هایی که جز اهانت وپاگذاری به خون های شهدای راه آزادی کشور هدف دیگر ندارد.

یقیناً دشمنان آرامی وثبات کشور به خاطر تحقق اهداف ناپاک وضد ملی خود از هیچ توطیهٔ دست بردار نمی شوند ولو به قیمت نابودی غرور ملی وآبرو این ملت هم تام شود ولی رسالت مجاهدین کشور، این نیروهای راستین دفاع از آزادی، استقلال وتمامیت ارضی آن است که آگاهانه به خنثی سازی توطیه های این طراز گام بردارند ونگذارند وضع چنان شود که هویت باختگان ومعامله گران بامنافع ملی از این آب های گل آلود ماهی دلخواه خود را شکار کند وبار دیگر سایه های شوم جنگ ومداخلات، بیگانگان برفضای کشور تازه رهایی یافته از چنگال جنگ های تحمیلی مسلط گردد.

هرکه پاکج می گذارد خون دل ما می خوریم
شیشهٔ ناموس عالم در بغل داریم ما

عقلانیت سیاسی
دیکتاتوری را بر نمی تابد

جاوید فرهاد

بحث دیکتاتوری از دیدگاه عقلانیت سیاسی، یکی از مهمترین مسائل مبرم در شیوه های راهبردی سیاست است که به منظور پی جویی ژرف تر، نخست توجیه روشنی از مقولهٔ "عقلانیت سیاسی" را مطرح می کنیم؛ وبعد، از این دیدگاه مفهوم دیکتاتوری را به بحث وبررسی می گیریم:

• عقلانیت سیاسی چیست؟

"جانهید" جامعه شناس واندیشمند علوم سیاسی توجیه اجمالی اما ژرف از عقلانیت سیاسی را فرادید مان می گذارد و با تأکید برجوهرهٔ آگاهی مقولهٔ "عقلانیت سیاسی" را "مبتنی بر شگردهای عمل عقلانی در سیاست تعریف می کند.(۱) اما "وارنر بیرمن" متفکر عرصهٔ مسائل سیاسی عنصر عقلانیت در سیاست را دارای ۳ مؤلفهٔ زیر می داند:

۱-خود آگاهی سیاسی
۲-جستجوی شگردهای این خود آگاهی درعرصهٔ سیاستگذاری
۳-فراهم آوری بستر مناسب برای عملی این شگردها (با شیوه های راهبرد سیاسی).(۲) به هر صورت آرای متعدد و بحث پیرامون مقولهٔ عقلانیت سیاسی به این سادگی تمام نمی شود؛ ولی گزاره های فکری به منظور پیش زمینهٔ موضوعی، یکی از موارد توجیهی در جهت تفسیر از این مقوله است.

• دیکتاتوری کدام است؟

مسألهٔ دیکتاتوری و بحث پیرامون این مقوله، نیاز به تفسیر و تبیین ندارد؛ زیرا تداعی مفهوم دیکتاتوری در ذهن، به روشنی باز گو کنندهٔ مسألهٔ "استبداد" است. استبداد مساوی به نوعی انحصار گری، تحمیل واعمال نفوذ سیاسی وعدم توجه به آرای مردم وارزش های دموکراسی است که با اصل خود کامگی، تکتازی وتکباوری همراه است.

• توجیه دیکتاتوری از دید عقلانیت سیاسی چگونه است؟

باتوجه به تعریف روشن عقلانیت سیاسی که در بالا از آن یاد آوری شد، مسألهٔ دیکتاتوری از دید عقلانیت سیاسی مخالف آرای همگانی ومشارکت جمعی مردم در فرایند ساختاری یک نظام است؛ زیرا تعریف خودکامگی در سیاست که یکی از اصل های سازندهٔ دیکتاتوری است، در چالش جدی با اشتراک آزاد مردم وسهمگیری آنان در قدرت قرار دارد. امروز با توجه به نخستین گام هایی که به سوی دموکراسی در جامعهٔ ما برداشته می شود؛ وبا وصف آن که شعار مردم سالاری وحق مشارکت مردم در ساختار سیاسی عنوان می گردد، ولی باز هم به نحوی اعمال سیاست های دیکتاتوری زیر نام "تمرکز قدرت" و "دولت مقتدر" از جانب برخی افراد جامعهٔ سیاسی ما مطرح می گردد. درست است که هر جامعهٔ سیاسی وهر ساختار مربوط به آن به تمرکز قدرت و انسجام آن به عنوان یک ساختار مقتدر نیازمند است؛ اما با درک وتفکیک از یک مسأله و آن هم این که هرگونه تمرکز قدرت و انسجام آن به مثابهٔ "محور قدرت" نمی تواند از دید عقلانیت سیاسی، تمثیل قدرت به ارادهٔ مردم



پنداشته شود.

ما اگر درک دقیق ودریافت عمیق از ساختار مقتدر ودولت مقتدر را با توجه به مشارکت مردم ارایه ندهیم، این تأکید بر موضوع "دولت مقتدر" و تمرکز آن در وجود فرد، چیزی جز اعمال یک دیکتاتوری محض نخواهد بود.

افراد جامعهٔ سیاسی ما باید آگاه باشند که مفهوم دیکتاتوری با عقلانیت سیاسی در تضاد است و اصلاً مقولهٔ عقلانیت سیاسی مسألهٔ دیکتاتوری را بر نمی تابد. مهمترین ویژگی عقلانیت سیاسی اتخاذ تصامیم و راهبردهای مبتنی بر درک زمینه یی وزمانی از جامعه است، با استناد برهمین توجیه است که جامعهٔ ما با توجه به تجربه بیست وسه سال تنش وتشدد بیشتر به سیاست مشارکت مردم در ساختار نظام نیازمند است. این نیازمندی بادوتا عامل در جامعهٔ ما مطمح نظر است:

۱-ضرورت مردم به ساختار دموکراتیک
۲-جلوگیری از اعمال قدرت فردی وخودکامگی های قدرت.

۱-ضرورت مردم به ساختار دموکراتیک چگونه است؟

از نخستین مراحل پیدایش انسان، همانطوری که عنصر استبداد وخودکامگی با چهره های متعدد (گاه دیکتاتوری و گاه آریستوکراسی) بر سرنوشت انسان حاکم بوده، نیاز مندی و عشق به آزادی و رهاشدن از سیطرهٔ استبداد یکی از نیازهای اولی جوامع بشری بوده است. هر آدم آزاد اندیش به گونه یی بالفطره مشخصه های ضد استبداد را در وجودش داشته، و این موجودیت به نوعی "ملکهٔ ذهنی" نزد او مبدل شده. اولین چالش بزرگ پیامبران خداوند (ج) در برابر بیداد و استبداد زمانی صورت گرفته و در افسانه های اساطیری خدایان روم، "پرومته" ومسألهٔ دزدیدن آتش از نزد خدایان یونانی را می توان مصداق نوعی استبدادستیزی تلقی کرد و اصل مسألهٔ مشارکت مردم در قدرت دانست.

۲-مفهوم جلوگیری از اعمال قدرت فردی وخودکامگی ها چیست؟

این موضوع هم در حقیقت به نوعی ستیز و به چالش برخاستن مردم در برابر خودکامگی است. همان طور که مردم بر اصل مشارکت شان در ساختار نظام علاقمندهستند، به همان میزان نفرت شان در برابر اعمال قدرت فردی و خودکامگی زیاد است.

"اشتریس هیومن" متفکر سیاسی آلمان در این مورد می نویسد: "ضدیت مردم در برابر استبداد و دیکتاتوری، یک امر مسلم است. آگاه ترین فرد و نا آگاه ترین فرد در جامعه با بافت دیکتاتوری در ساختار هرگونه قدرت مخالف است؛ و این مخالفت یکی از خصیصه های درونی در وجود بشر است."(۳)

نتیجهٔ بحث:

مبتنی بر مواردی که در بحث دیکتاتوری از دیدگاه عقلانیت سیاسی مطرح شد، این نتیجهٔ کلی دستیاب گردید:

• دیکتاتوری ونظام مبتنی بر این مسأله، چون ماهیت ضد مردمی و ضد دموکراتیک دارد، از این رو در تضاد با مقولهٔ عقلانیت سیاسی است.

• مردم به هر وسیله نیاز به ساختار دموکراتیک دارند، بنابر این دیکتاتوری واکنش منفی در برابر کنش مثبت مشارکت مردم در قدرت است.

• جلوگیری از اعمال قدرت فردی وخودکامگی های قدرت، یکی از مشخصه های درونی در وجود بشر است.

• ضرورت اشتراک مردم در سهمگیری شان به خاطر ساختار نظام ویا هر ساختار سیاسی دیگر، یک اصل ضروری است.

• عقلانیت سیاسی با توجه به روند سیاست های جهانی و نیاز مردم به آزادی، دیکتاتوری را نفی و به جای آن مردم سالاری ومشارکت مردم در ساختار نظام را برتر می داند.

پانوشت:

۱-جان هید، مؤلفهٔ قدرت، مجموعهٔ چند مقاله، نشر کاوه، ایران، سال ۱۳۸۲، ص۷۶.

۲-وارنر بیرمن، نفرین دیکتاتوری، ترجمهٔ: مهرداد فرنوش، نشر اندیشه، سال ۱۳۷۰، ص۲۱۷.

۳-اشتریس هیومن، مقولهٔ هویت، ترجمه: علیرضا جهانی، نشر نقره، سال ۱۳۸۰، ص۲۳.

مسودهٔ قانون اساسی ودیدگاه های اهل نظر

نظام ریاستی به این شکل که در پیش نویس قانون اساسی دیده می شود نه اسلامی است ونه منطبق باوضاع افغانستان. تقریباً عین همین کلمات را معاون قوهٔ قضائیهٔ افغانستان نیز تکرار می کند، به نظر ایشان با اختیارات فوق العاده یی که در این قانون به رئیس جمهور داده شده است استقلال قوهٔ قضائیه کاملاً خدشه دار گردیده است.

دکتر هارون تیموری یکی از شخصیت های شمال افغانستان می گوید:

نظام ریاستی هیچ وقت باوضاع وشرایط افغانستان مطابقت ندارد. برای ادارهٔ امور باید در قانون اساسی یک جمهوری پارلمانی متمرکز در نظر گرفته شود. اختیارات فوق العادهٔ رئیس جمهور در این قانون زمینه را برای القای دیکتاتوری مساعد می سازد. از سوی دیگر چندی قبل یک کنفرانس بزرگ باشرکت شخصیت ها وروشنفکران افغانستانی مقیم اروپا وامریکا در کشور آلمان برگزار گردید. در این کنفرانس سخنرانان دیدگاه ها ونظریات خود را پیرامون برخی از مواد بحث برانگیز پیش نویس قانون اساسی جدید افغانستان بیان کردند. دکتر عبدالاحد وفا معصومی یکی از فعالان این گردهمایی در یک جمع بندی کلی از کنفرانس آلمان می گوید:

> **نظام ریاستی به این شکل که در پیش نویس قانون اساسی دیده می شود نه اسلامی است ونه منطبق باوضاع افغانستان**

در این کنفرانس باتأکید گفته شد که اعطای اختیارات عام وتام به رئیس جمهور هرکسی که باشد در آینده برای ملت وکشور افغانستان مشکل ساز خواهد شد وبه وحدت ملی افغان ها صدمه وارد خواهد کرد. اگر یک پارلمان فعال، زنده وتصمیم گیرنده در افغانستان نباشد ونتواندد در مواقع لازم صدر اعظم ویا رئیس جمهور را تغییر دهد، برای مردم افغانستان مفید واقع نخواهد شد. لذا اعطای اختیارات ویژه به رئیس جمهور یک حرکت وقانون شبیه دیکتاتوری است که برای ملت خسته از جنگ قابل قبول نخواهد بود. در این کنفرانس همچنین باگنجاندن کلمهٔ(بابای ملت) به پادشاه سابق افغانستان همه بااتفاق آرا مخالفت کردند. ونیز تأکید گردید که افغانستان باید دارای یک پارلمان مستقل ومقتدر باشد، پارلمان به عنوان عالی ترین مرجع قانون گذاری باید تمام مسائل مملکت را اداره کند وکشور را به سوی وحدت ملی به پیش ببرد واز حاکمیت مطلقهٔ یک فرد وقوم خاصی براقوام دیگر جلوگیری کند. قدرت باید در دست پارلمان باشد، لویه جرگه باید بداند که وجود صدر اعظم در افغانستان بسیار ضروری است. لذا در کنفرانس همه تأکید کردند که این

بخش دوم

پیش نویس بانواقص آشکاری که دارد برای وحدت ملی افغان ها کافی نیست. به گفتهٔ دکتر وفا معصومی در کنفرانس آلمان همگان اتفاق نظر داشتند که رئیس جمهور مافوق سه قوه، درهیچ کشور جهان معمول نیست ونباید در قانون اساسی افغانستان چنین چیزی به تصویب برسد. خلاصه به اعتقاد شرکت کنندگان کنفرانس آلمان پست صدر اعظم در حکومت افغانستان نباید حذف شود وصلاحیت های رئیس جمهور می بایست کاهش پیدا کند، به پارلمان حق اولویت داده شود واستقلال قوهٔ قضائیه هم نباید پایمال گردد. شرکت کنندگان در کنفرانس آلمان از اعضای لویه جرگهٔ قانون اساسی افغانستان خواستند که بااحساس مسؤولیت های اسلامی وملی خویش برخی از مواد پیش نویس قانون را مورد تجدید نظر قرار دهند.

آقای هاشمی لولنجی یکی از شخصیت های سیاسی افغان نیز در این باره می گوید:

نظر من به طور خلاصه این است که نظام ریاست جمهوری آن طور که در قانون اساسی آمده تقریباً تندتر وحاکم تر از سلطنت مطلقه است وده سال مدت کمی نیست، یعنی دو دورهٔ پنج ساله که یک رئیس جمهور اگر خودمختار ومطلق العنان باشد می تواند درافغانستان خیلی کارها کند.

مسألهٔ دوم این است که اسلام وجمهوری اسلامی را من در قانون اساسی بدون فقه واصول یافتم. تحقق اسلام بدون اصول وفقه در یک کشور اصلاً امکان پذیر نیست. به موارد دیگری نظیر دموکراسی نیز اشاره شده است وهمچنان حقوق بشر و... این مسائل بااسلام کاملاً هماهنگ نیست، اگر خوبی هایی دارند این خوبی ها در اسلام هم وجود دارد. اسلام فقط حکومت خدا برمردم را به رسمیت می شناسد وانتخابات ورأی دادن واین که مردم در عرصه های تعیین سرنوشت خود حضور داشته باشند همگی در اسلام وجود دارد، حالا این وظیفهٔ مسلمان هاست که انسان های اصلح و واجد شرایط و اسلام شناس را انتخاب کنند تا آنها برای اجرای قانون خدا در ادارهٔ نظام اسلامی کار کنند.

آقای دکتر هارون تورانی استاد دانشگاه بلخ می گوید:

لویه جرگه باید کلمهٔ بابای ملت را از متن قانون اساسی حذف کند زیرا این کلمه به یک شخص تعلق می گیرد در حالی که در قانون اساسی باید موضوعات کلی تر مطرح شود، از این گذشته پادشاه سابق بااعمال تبعیض آمیزی که انجام داده شایستهٔ کلمهٔ مقدس بابای ملت نمی باشد.

وی افزود: پیشنهاد دیگر من این است که در قانون اساسی افغانستان تحصیلات عالی در تمام سطوح باید رایگان باشد.

ادامه دارد

دلوئی جرگی دکار بهیرته یوه کتنه

ش ـ الماس

داساسی قانون په مسوده باندی دبحث له پاره دلوئی جرگی څو ورځنی کار وښودله چی په جرگه کی دننه په ملی او ټریوالـه سطحه ځینی لاسونه کارکوی او هڅه ئی په دی کی ده هرهغه څه چی ددوی گټی تضمینوی د خلکو په استازیو باندی ومنی او دهیواد دلوړو گټو دتامین پرځای داسی اساسی قانون تولنی ته وړاندی کړی چی ددوی او ددوی د ملاتړ کونکو لـه پاره ارزښت ولری او دقدرت د انحصار لاره اواره کړی.

که موږ ددغی جرگی روان بهیرته خیر شو نو دا به راته جوته شی چی په جرگه کی یواځی دجمهوری ریاستی نظام نسخه وپشل شوی او دپارلماتی، شاهی ... نظامونو په باب خلك له هر ډول معلوماتو او یا نسخی اخیستلو څخه محروم پاتی دی چی دا پخپله دجرگی دمدیره هیات دپلوی او طرف واقع کیدو مانا ورکوی او د دیموکراسی داساساتو نفی کول دی.

له بلخوا موږ وینو چی دلوئی جرگی دمحترمو استازیو پام له اصلی موضوعاتو څخه بلی خواتـه اړول کیږی او دولتی چارواکی هڅه کوی چی خپلی ناځیزه لاس ته راوړنی ورته مخی مخی ته کړی چی دا کار اصلا دروانی جرگی له طرزالعمل سره اړخ نه لگوی باید دملت استازی خپله پامله‌نه. خپل ټول دماغی وس او خپله ټوله انرژی په اصلی لاره یعنی داساسی قانون د موادو په څیړنه کی ولگوی او هغه کار سرته ورسوی چی خپلو کلی والو او ښاریانو دهغی داجرا لـه پاره را استولی او په دی هیله دی چی وکیلان به ئی له وخت او شرایطو سره سم، داسلام په کاڼه سمبال یو پرمختللی او مدنی قانون تصویب کړی.

بله دیادونی وړخبره او دلوئی جرگی دزیاترو استازیو دعلاقی وړ مساله داوه مخکی له دی چی دجرگی پنځه سوه غړی په لسو ډلگیو یا گروپونو وویشل شی باید دراتلونکی نظام څرنگوالی معلوم شوی وی، خو دبده مرغه چی داستازیو د دوا مدارو غوښتنو او انتقادونو سره سره د مجلس مدیره هیات د دغو لسو کمیټو دجوړولو امر صادر کړ او دهری کمیټی دغړیو دنومونو لست ئی هغوی ته واو راوړ.

دلته موږ دلوئی جرگی دټولو استازیو او په خاص ډول دجهادی وړونو او نخبه گانو څخه هیله من یوو چی خپله هوښیاری له لاسه ورنه کړی. هسی نه چی دوی دجرگی له نورو غړیو څخه جلا په یوه کمیټه کی تنظیم کړی شی او دلوئی جرگی له نورو استازیو سره ئی اړیکی پری شی په تجرید او اقلیت کی پاتی شی په ټولو کمیټو کی باید عالمان، حقوق پوهان روښان فکران او نور قشرونه په مساوی توگه موجود وی.

همدا رنگه دلته لازمه بولم چی دلوئی جرگی دچلوونکو یا مدیره هیات په چلند باندی هم رڼا واچوم. موږ ولیدل چی دجرگی له استازیو سره عادلانه چلند نه کیږی، دهغوی نیو او انتقادونو ته په سرسری نظر کتل کیږی او مخکی دی چی یو انتقاد کوونکی یوی طرحی ته گوته ونیسی او یادیوی حیاتی مسالی په باب نوبت واخلی او خبروته خوله خلاصه کړی. دجرگی د رئیس له خوا چی یو ستر جهادی شخصیت او پروفیسور دی دخبرو د دوام اجازه نه ورکول کیږی او یا د یو استازی په وړاندی تحقیر امیزه چلند کیږی چی که دغه حالت دوام وکړی نو په دی کی شك نشته چی دجرگی فضا به له صمیمیت او اخلاص مندی څخه ووځی او مسئولیت به ئی دهغه چا په غاړه وی چی غیر دیموکراتیك او امرانه چلند کوی

هیله من یوو چی دلوئی جرگی رئیس او نور چلوونکی ئی دخو تیرو ورځو اشتباه گانو او تیروتنو ته کلکه پاملرنه وکړی او خپل زوړ مسئولیت د دغه تاریخی مهم په وړاندی درك کړی او له دغه فرصت څخه دخپل شخصیت دتکوین او دهیواد دلوړو گټو لـه پاره کار واخلی

در چهارمین روز لویه جرگه...

مردم را مطرح سازیم، اما پیهم کوشش می شود تاوقت ما ضایع گردد. او اظهار داشت که به نمایندگان مردم باید فرصت کافی داده شود تا مسائل را مطرح سازند.

در هنگامی که دکتر عبید صحبت می کرد، خانم جویا از ولایت فراه به حضرت مجددی نزدیک شد وگفت که شما به جوانان فرصت سخنرانی نمی دهید. حضرت صاحب باصراحت لهجه در پاسخ گفت: «به کی وقت داده ام که به جوان ها بدهم؟!»، اما باالآخره حضرت صاحب به این خانم فرصت سخنرانی داد.

خانم جویا در صحبت خود گفت: در این لویه جرگه تعدادی جنایت کاران حضور دارند واینان باید در سطح ملی وبین المللی محاکمه شوند. تاریخ این ها را نمی بخشد وباید همهٔ این جنایت کاران در یک کمیته از کمیته های ده گانه جاداده شوند تا در کمیته های دیگر اعمال نفوذ نکنند.

سخنرانی خانم جویا اوضاع جلسه را به حد کافی متشنج ساخت. تقریباً تمام اشتراک کنندگان به پاخاستند. عده یی شعار می دادند که «مرگ برکمونیزم» روس را کی از وطن کشید؟ وطن را کی از تروریزم نجات داد؟

در این همهمه، اطراف کرسی رئیس جلسه را عده یی از نمایندگان مردم محاصره نموده وخواستار اخراج خانم جویا گردیدند. نظم جلسه کاملاً برهم خورد و کمتر کسی در جای خود نشسته بود. هرکسی شعار مورد نظر خود را سر داده بود.

درمیان هیاهو که پیش بینی ها برای شکست لویه جرگه قوی تر می شد، استاد سیاف از جا بلند شد وبدون مشوره بارئیس مجلس در عقب بلند گو قرار گرفت. استاد سیاف بااصرار همه را به آرامش دعوت نمود تا به سخنان او گوش دهند.

استاد سیاف گفت در هنگامی که مجاهدین برای نخستین بار به کابل وارد شدند، بنا برمصلحتی که ایجاب می کرد، همه را بخشیدند وعفو عمومی توسط حضرت صاحب مجددی اعلام شد. استاد سیاف گفت که در انتخابات فعلی هم مهم ترین اعضای حزب کمونیست اشتراک دارند وما هیچ گونه مخالفت نکردیم. او افزود که مجاهدین سینهٔ فراخ دارند وباحضور۹۵ در صد در این نشست، ثابت کرده اند که مورد حمایت قوی مردم خود نیز قرار دارند.

استاد سیاف با اشاره به سخنان دیروز خود گفت که عده یی کوشش دارند تا لویه جرگه را باشکست مواجه سازند، ولی مجاهدین هرگز این اجازه را به کسی نخواهند داد.

بعد از استاد سیاف، حضرت مجددی به عنوان رئیس جلسه امر کرد تا خانم جویا از محل خارج ساخته شود. او خانم جویا را به گستاخی وفتنه انگیزی متهم نموده وپیهم تقاضا می کرد تامحل را ترک کند.

باالآخره در اثر وساطت رهبر جهاد ومقاومت استاد ربانی و استاد سیاف حضرت مجددی به عفو خانم جویا موافقه کرد: اما تایک ساعت دیگر فضای جلسه متشنج باقی ماند.

حضرت صاحب گفت که خانم مذکور توسط چند نفر دیگر که آنان را خوب می شناسد، تحریک شده است واخطار نمود که اگر چنین حرکتی باری دیگر انجام داده شود، تصمیم جدی خواهد گرفت.

درچهارمین روز جلسه، ضعف مدیریت لویه جرگه برجسته گردید. فیصله ها وتصامیم هیأت مدیره که برپایهٔ احساسات استوار بود، دو مرتبه از جانب خود هیأت مدیره شکسته شد والفاظ ناشایسته چندین مرتبه استعمال گردید.

قرار است کمیته های ده گانه به صورت جداگانه وغیر مرتبط به کار خود آغاز نمایند.

و آنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره ۱۳ پنجشنبه ۲۷ قوس ۱۳۸۲ ۲۴ شوال المکرم ۱۴۲٤ - 18 December 2003

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

مجاهدین و تجربهء حکومت پارلمانی

ارمغان

در چند روز اخیر مصاحبه هایی با جمعی از وکلای ملت از طریق رادیو های مختلف به نشر می رسد که بیشتر هوادار نظام ریاستی اند. بگذریم از این که این رادیو ها با چنین مصاحبه ها آب به کدام آسیاب می ریزند اما سخن بر سر این است که بسیاری از هواداران نظام ریاستی، از تجربهء دوران حکومت مجاهدین بعد از سرنگونی رژیم نجیب بعنوان یک تجربهء تلخ از یک حکومت پارلمانی نام می برند که حیرت برانگیز است.

در دوران حکومت مجاهدین مداخلهء خارجی آشوب هایی در این کشور آفرید که دولت مجال انتخابات و ایجاد یک پارلمان منتخب را نیافت. اگر صدراعظم برضد دولت می جنگید، احزاب دیگری هم بودند که درگیر جنگ بودند و می خواستند این دولت استحکام نیابد و پا نگیرد. آیا می توان گفت که چون در گذشته در افغانستان، احزابی با هم درگیر جنگ بوده اند. بنابراین باید وجود احزاب سیاسی در این کشور یک قلم ملغی قرار داده شود زیرا این تجربه ناکام است؟ اگر از جریانات آن زمان چنان برداشت های انحرافی مجال تسلط یابد، باید فاتحهء یک نظام مردم سالار را از همین حالا بخوانیم.

تجربهء بهتر دراین مورد نظام دموکراسی ده سالهء ظاهرشاه است که هیچکس به آن اشاره یی نمی کند. در حالی که قانون اساسی همان دوران، در طول دوسال گذشته در این کشور (به استثنای فصل مربوط به شاه) مجری بوده است.

چرا از تجربهء ده سالهء دموکراسی ظاهرشاه بعنوان یک تجربهء موفق یا ناموفق سخنی در میان نیست اما جنگ های تحمیلی بر ضد دولت مجاهدین، بعنوان تجربهء ناکام یک نظام پارلمانی تبلیغ می شود؟ آیا این مثال واقعا درست است؟

ملت مجاهد ما باید به این نکته به دقت متوجه باشند که چنین تبلیغات به منظور انحراف اذهان ملت ما از مسألهٔ بسیار حیاتی یعنی چگونگی نظام آیندهء کشور صورت می گیرد.

اینها همه بخشی از برنامه های از قبل مشخص شده از جانب حلقه های معلوم الحال است که می خواهند نظراتی را خلاف رأی و خواست مردم بر ملت تحمیل نمایند. از روزی که لویه جرگه افتتاح گردیده، به طریقه های مختلف تلاش در جریان است تا به نمایندگان از قبل این مفهوم را تلقین کنند که در افغانستان هیچ نظامی جز یک نظام ریاستی قوی و نیرومند کارآمد نخواهد بود. اگر چنین است پس چه عیب و اشکالی در نظام داود خان، کمونیست ها و سرانجام نظام طالبان وجود داشت؟

شاید همهء ما وقتی به جزئیات این مسائل بپردازیم به این نکته باهم موافق باشیم که عیب بزرگ آن نظام ها بی توجهی به خواست و ارادهء مردم بود. آن نظام ها خود بجای مردم تصمیم می گرفتند و برمردم تحمیل می کردند که حاصل آن، بدبختی های بیش از دو دههء جاری در کشور می باشد.

اکنون که نمایندگان ملت گرد هم آمده اند و مهمترین سوال مطرح شده در برابر آنان شکل نظام آینده در کشور است، باید به این نکتهء مهم بیندیشند که چگونه می توان از مطلق العنانی و خود کامگی زمامداران که در گذشته غیر از تلخکامی و بدبختی برای این ملت ارمغانی نداشته است جلوگیری کرد؟

مردم در برابر خودکامگی های زمامدار، سه راه در پیش دارند، یا خاموشانه هرچه بر سرشان می آید تحمل کنند و یا دست به قیام و اسلحه ببرند. راه سوم راه مشارکت واقعی مردم در امر حکومت است. این راه جز بوسیلهء یک پارلمان قدرتمند و نمایندهء مردم که در حالی که با دولت هماهنگ عمل می کند، مانع خود کامگی های زمامدار نیز باشد، ممکن و میسر نیست.

در مسودهء قانون اساسی فعلی در حالی که صلاحیت های بی حد و حصری برای رئیس جمهور درنظر گرفته شده است، حق بسیار مبهمی برای ملت پیشبینی شده است و آن این که رئیس جمهور در برابر ملت مسؤول است.

ملت این حق را زمانی می تواند بصورت معقول اعمال نماید که کشور دارای یک پارلمان مقتدر باشد و این حق از آن طریق اعمال گردد. در غیر آن امکان برگشت بدوران دیگری از خشونت و مسابقه برای دسترسی به قدرت از راه زور باز خواهد شد که مصیبت بزرگ دیگری را بر این ملت تحمیل خواهد کرد.

آنچه که امروز بعضی ها آنرا تجربهء ناکام دولت مجاهدین در نظام پارلمانی می خوانند در حقیقت تلاش برای تفهیم این حقیقت به مخالفان بود که بیایید به رای و نظر مردم مراجعه کنیم و هر کسی که بیشتر از حمایت مردم برخوردار باشد سزاوار تر است. اگر ما این تجربه را ناکام بدانیم، پس هیچ امیدی برای دموکراسی در افغانستان وجود نخواهد داشت.



دهرات والی ته په لویه جرگه کی بلنه نه وه ورکړه شوی

دافغانستان د خلکو دپیوستون داسلامی شورا ویندوی غلام محمد مصئون دافغانستان داساسی قانون دتصویب دلوئی جرگی په مراسمو کی دهرات دوالی ښاغلی اسماعیل خان په برخی نه اخیستو باندی چی بلنه نه وه ورکړی شوی کلك انتقاد کړی دی.

هغه ویلی اسماعیل خان یو جهادی شخصیت او دنظر خاوند دی چی په لویه جرگه کی ئی دنورو جهادی شخصیتونو ترڅنگ باید برخه اخیستی وی.

ده وویل په لوئی جرگی کی دبرخی اخیستنی لپاره باید دولایتونو جهادی شخصیتونو او مشرانو ته بلنه ورکړی شوی وی چی د بده مرغه دغه راز کسانو ته له دی امله چی والیان یا پوځی کسان دی دگډون بلنه نه ده ورکړی شوی.

ښاغلی مصئون هیله څرگنده کړه دخلکو استازی داسی اساسی قانون تصویب کړی چی داسلامی شریعت پراصولو او موازینو ولاړ وی.

دهرات ولایت دیو لوړ رتبه مقام له خوا دغه انتقاد په داسی وخت کی کیږی چی دهرات یو شمیر روښان فکرانو داساسی قانون مسوده دافغانی ټولنی له اړتیاو سره سمه بللی او دهغی ملاتړنی کړی دی.

لویه جرگه در آزمون...

اکنون این مسأله به بیداری نمایندگان مردم مربوط است که تا چه حد ازنقشهء (تفرقه انداز و حکومت کن) عناصر معلوم الحال آگاه اند و چگونه با تبارز وحدت و یک پارچگی خواهند توانست این نقشهء شوم را خنثی سازند.

درست است که هر نماینده از منطقه یی مشخص از افغانستان به این مجلس کبیر ملی آمده است ولی وقتی پا در این مجلس نهاده، در حقیقت پیوند با همهء ملت یافته و اینک باید در جهت وفاق ملی کوشا باشد. باید از سیستمی جانبداری کنند و به نظامی رأی دهند تا بار دیگر ملت تسلیم خودکامگی های یک حکومت خودکامه و مستبد نگردد. دولتی که در آن تفکیک سه قوه مشخص نیست، دولتی استبدادی و ضد مردمی است.

جدایی و تفرقه میان نمایندگان به نام های قومی وسمتی به نفع دشمنان اسلام است. جلسهء روز چهارشنبه ۲۶ قوس نشان داد آنانی که از دست این ملت مجاهد شکست خفت باری را تحمل کرده اند، بیکار نیستند. آنها نه تنها از گذشتهء ننگین خود و از جنایات خود در برابر ملت نادم نیستند بلکه در مجلسی که نمایندگان ملت در آن گرد آمده اند مردان شان در عقب زنان شان پنهان شده اند و با وقاحت تمام، به جهاد و ارزشهای جهاد توهین می کنند.

در این مجلس بزرگ ملی باید نمایندگان هیچ نوع تقسیم را در میان خود جز بر بنیاد عقیده به اسلام، جهاد و آرمانهای این ملت مجاهد و شهید پرور نه پذیرند و به دشمنان اسلام و جهاد اجازه ندهند تا به نامهایی دیگر چون زبان و سمت و قومیت آنها را از هم جدا سازند و در برابر هم قرار دهند.